

Evaluating the 2011 Tunisian Revolution Based on Samuel Huntington's Theory of Uneven Development

Rahim Pakzad ^{1*}
Mohammad Javad Harati ²
Reza Yousefi ³

Received on: 28/11/2021
Accepted on: 06/04/2022

Abstract

Various views were raised about the causes of the 2011 Tunisian revolution, which some have referred to as the "Arab Spring" or "Islamic Awakening". With the revolution in Tunisia, a wave of revolutions and protests spread to North African countries and other Arab-speaking countries in the Middle East. So that in less than a month, Ben Ali in Tunisia and Hosni Mubarak in Egypt fled the country. The speed of changes in the Islamic world was such that it surprised many analysts in the fields of political science and sociology and made them analyze and investigate the roots and grounds of the revolution in these societies. The topic discussed in this research is the evaluation of the Tunisian revolution based on Samuel Huntington's theory of uneven development. This research, with the descriptive-analytical method and using library resources, seeks to answer these questions: how can the revolution of 2011 in Tunisia be studied and investigated based on the theory of uneven development? What are the differences and commonalities between the causes and agents of the revolution from Huntington's viewpoint, and the Tunisian revolution? The findings show that all three stages of the revolution from Huntington's viewpoint, i.e. economic development, social development, and political blockage (lack of political development), can be applied and evaluated to the Tunisian revolution. The difference between this article and other research is that to evaluate the Tunisian revolution based on the theory of uneven development, reliable domestic and international data and sources have been used.

Keywords: Revolution, Tunisia, Uneven development, Samuel Huntington, Islamic world.

1*. Ph.D. Candidate, History of the Islamic Revolution, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.
(Corresponding Author: Rahimpakzad@gmail.com)

2. Professor, Political Sciences, Department of Education, Bu.Ali Sina University, Hamedan, Iran.
(Email: m.harati@basu.ac.ir)

3. Ph.D. Candidate, History of the Islamic Revolution, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.
(Email: yousefi_1365@yahoo.com)

ارزیابی انقلاب ۲۰۱۱ تونس بر اساس نظریه توسعه نامتوازن

ساموئل هانتینگتون

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

رحیم پاکزاد^{*۱}

محمدجواد هراتی^۲

رضا یوسفی^۳

چکیده

در پی انقلاب ۲۰۱۱ تونس که برخی از آن با عنوان «بهار عربی» یا «بیداری اسلامی» یاد کرده‌اند، دیدگاه‌های مختلفی درباره علل شکل‌گیری این انقلاب مطرح شد. با وقوع انقلاب در تونس موجی از انقلاب‌ها و اعتراضات متوجه کشورهای شمال آفریقا و دیگر کشورهای عرب زبان خاورمیانه گردید. به طوری که در کمتر از یک ماه بن علی در تونس و حسنی مبارک در مصر فرار از کشور را در پیش گرفتند. سرعت تغییرات در جهان اسلام به حدی بود که بسیاری از تحلیل‌گران حوزه‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی را به تعجب و تحلیل و بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های انقلاب در این جوامع واداشت. موضوعی که در این تحقیق به آن پرداخته شده است، ارزیابی انقلاب تونس بر اساس نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این سوالات است که چگونه می‌توان انقلاب ۲۰۱۱ تونس را بر اساس نظریه توسعه نامتوازن مورد مطالعه و بررسی قرار داد؟ وجوه تمایز و اشتراکات علل و عوامل انقلاب از منظر هانتینگتون و انقلاب تونس کدام‌اند؟

یافته‌های مقاله گویای این امر است که هر سه مرحله انقلاب از منظر هانتینگتون یعنی توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و انسداد سیاسی (عدم توسعه سیاسی)، بر انقلاب تونس قابلیت تطبیق و ارزیابی را دارند. وجه تمایز این مقاله با پژوهش‌های دیگر در این است که برای ارزیابی انقلاب تونس بر اساس تئوری توسعه نامتوازن، از داده‌های و منابع معتبر داخلی و بین‌المللی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: انقلاب، تونس، توسعه نامتوازن، ساموئل هانتینگتون، جهان اسلام.

(صفحه ۲۴۹-۲۷۴)

*۱. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

(نویسنده مسئول: Rahimpakzad@gmail.com)

۲. استاد علوم سیاسی گروه معارف دانشگاه بوعلی سینا همدان. (m.harati@basu.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان. (yousefi_1365@yahoo.com)

مقدمه

از اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی یک شهروند تونسی در شهر سیدی ابوزید به دلیل فقر و تنگدستی و فشار مأموران حکومتی اقدام به خودسوزی نمود. اقدام جوان تونسی به خودکشی، باعث شروع قیام گسترده مردمی و رفتار خشونت‌آمیز ضد دولتی گردید. این رفتار خشونت‌آمیز ضد دولتی در اعتراض به وضعیت نامناسب اقتصادی، فساد اداری، بیکاری، فشار و اختناق روز به روز باعث گردید که بر دامنه آن افزوده شود و سرتاسر کشور را در بر بگیرد. نهایتاً در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ زین‌العابدین بن علی رئیس‌جمهور وقت تونس از قدرت کناره‌گیری و از کشور فرار کرد.

درباره رویداد سیاسی انقلاب، تاکنون تئوری‌های مختلفی از سوی اندیشمندان جهان ارائه گردیده است. برخی از صاحب‌نظران، ریشه‌های انقلاب را عوامل اقتصادی می‌دانند و برخی دیگر با رویکردهای روانشناختی یا فرهنگی پدیده انقلاب را تبیین می‌نمایند؛ اما در این میان یکی از تئوری‌های که با رویکرد جامعه‌شناختی به بررسی پدیده انقلاب پرداخته است، نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون است. در سال‌های اخیر به دنبال بروز انقلاب در خاورمیانه، یکی از مسائلی که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت، تطبیق و ارزیابی این انقلاب‌ها با تئوری‌های مختلف انقلاب بود. به طوری که اخیراً بیشتر انقلاب‌های جهان اسلام با نظریات انقلابی که در این زمینه مطرح گردیده است، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این پژوهش به دنبال آن است که به کاربست نظریه توسعه نامتوازن بر انقلاب ۲۰۱۱ تونس بپردازد. به نظر می‌رسد از عوامل مطرح شده انقلاب از منظر هانتینگتون هر سه مرحله آن یعنی توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و انسداد سیاسی با علل و عوامل انقلاب در کشور تونس هم‌خوانی دارد.

از میان تحولاتی که در میان کشورهای عربی اعم از تونس، مصر، لیبی، یمن، بحرین، سوریه، الجزایر، مراکش و اردن از سال ۲۰۱۰ م تا کنون اتفاق افتاده است، تحولات مصر و تونس به عنوان انقلاب یا الثورة شناخته می‌شود (Ottaway, 2011)؛ بنابراین وجود تحقیقی که به روشن‌تر شدن زوایای پنهانی از انقلاب تونس کمک کند، ضرورت دارد.

با این حال پژوهشگران این پژوهش در تلاش هستند تا بر اساس نظریه توسعه نامتوازن هانتینگتون به بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های انقلاب تونس بپردازند. سوالات اصلی این پژوهش از این قرار است: چگونه می‌توان انقلاب ۲۰۱۱ تونس را بر اساس نظریه توسعه نامتوازن مورد مطالعه و

بررسی قرار داد؟ وجوه تمایز و اشتراکات علل و عوامل انقلاب از منظر هانتینگتون و انقلاب تونس کدامند؟

الف - پیشینه پژوهش

در مورد انقلاب تونس مقالات زیادی نوشته شده است و در این میان انقلاب تونس بر اساس نظریات انقلاب گوناگونی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است که در بعضی از آنها مستقیم و غیرمستقیم از تئوری هانتینگتون مدد جسته‌اند. تفاوت این مقاله با پژوهش‌های صورت گرفته در این است که در این پژوهش از آمارها و داده‌های علمی‌تر و منسجم‌تری در قالب جدول استفاده شده است که همین امر ارزش و اعتبار پژوهش حاضر را نسبت به دیگر پژوهش‌های صورت گرفته، مجزا می‌کند.

نیاکوئی، سیدامیر (۱۳۹۱)، کتاب کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب (ریشه‌ها، پیامدها و اندیشه‌ها). نویسنده در این پژوهش به تحولات اخیر در جهان عرب می‌پردازد و ریشه‌ها و بسترهای شکل‌گیری اعتراضات در کشورهای مختلف تونس، مصر، بحرین، لیبی، سوریه و یمن را مورد بررسی قرار داده و تلاش کرده است به موضوعاتی چون ماهیت و مدل تحولات و ریشه‌ها و بسترهای شکل‌گیری اعتراضات در کشورهای عربی بپردازد و اینکه چه احزاب و گرایش‌های سیاسی و فکری در میان معترضان وجود داشته است.

قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰)، مقاله «مطالعه تبیینی تئوری انقلاب هانتینگتون در انقلاب تونس (تحلیلی نو بر ریشه تاریخی تحولات ۲۰۱۱)». پژوهشگر به دنبال جواب دادن به این سوال است که نظریه هانتینگتون به چه میزان توانایی تبیین انقلاب تونس را داراست و تا چه میزان می‌توان انقلاب تونس را براساس این نظریه تبیین کرد؟ نگارنده پس از بررسی شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جامعه تونس قبل از انقلاب، به این نتیجه می‌رسد که نظریه توسعه نامتوازن قابلیت تطبیق‌پذیری بر انقلاب ۲۰۱۱ تونس را دارد؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به استفاده از اصطلاح «چه میزان» در سوال اصلی این پژوهش، بایستی منتظر یک تحقیق «کمی» بود که آن میزان را با دقت مشخص کرد، ولی تحقیق حاضر به روش کیفی است. ایراد دیگری که می‌توان به این پژوهش گرفت این است که در نتیجه‌گیری پایانی به بررسی جریان‌های اسلامی تونس پس از انقلاب ۲۰۱۱ من جمله النهضه، پرداخته شده است

که به نظر می‌رسد آوردن این مطلب در نتیجه‌گیری پایانی هیچ ارتباطی با سوال اصلی تحقیق ندارد. حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ شهریار، فاطمه (۱۳۹۱)، مقاله «شناخت حوادث ۲۰۱۱ خاورمیانه در قالب مبانی مفهومی - نظری». در این پژوهش پس از بررسی شرایط اجتماعی قبل از انقلاب‌های ۲۰۱۱ کشورهای خاورمیانه و مروری بر نظریه‌های غربی انقلاب، انقلاب نونس مورد توجه قرار می‌گیرد. سرانجام در پایان پژوهشگران این پژوهش بر این باور هستند که نظریه‌ها و مفاهیم علم سیاست نتوانستند این حوادث را پیش‌بینی نمایند و نظریه پردازان در باره‌ی ماهیت، علل و پیامدهای این انقلاب‌ها دچار نوعی سردرگمی هستند.

ب- مبانی نظری و روش

نظریه‌پردازانی که توسعه را عامل اصلی انقلاب می‌دانند، بر این باور هستند اگر در ساختار اقتصادی کشوری اصلاحاتی قرار است انجام بگیرد، می‌بایست نهادهای سیاسی متناسب با آن، در جامعه به وجود آید. در حقیقت دگرگونی و اصلاح در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه، بدون دگرگونی در نظام سیاسی متناسب با ساختار اقتصادی جدید، میسر نخواهد بود (ذهیری، ۱۳۷۶: ۱۳). به دلیل اینکه اصلاحات در حوزه اقتصادی خیلی سریع و به طور ناگهانی به وجود می‌آید، این مسئله باعث تحمیل فشار سنگین بر حکومت‌ها می‌گردد. برای اینکه موازنه به وجود آید و سرعت حرکت شدید آن کاهش یابد، ساختار سیاسی باید همزمان با تغییرات اقتصادی دچار دگرگونی شود، در غیر این صورت بحران‌هایی در حوزه اجتماعی رخ خواهند داد که باعث ایجاد چالش‌های سیاسی در جامعه می‌گردد. مهم‌ترین نظریه‌پردازی که با این متد به بررسی پدیده انقلاب پرداخته است، ساموئل هانتینگتون آمریکایی است. هانتینگتون در تئوری توسعه نامتوازن خود، ارتباط بین توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی را به تفصیل مطرح نموده است. وی در کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی» پدیده انقلاب را مورد بررسی قرار می‌دهد و درباره اینکه پدیده انقلاب در چه جوامعی اتفاق می‌افتد، معتقد است معمولاً پدیده انقلاب موردی کمیاب بوده است و اکثریت جوامع وقوع انقلاب را تجربه نکرده‌اند. تمدن‌های بزرگی از قبیل تمدن ایران، یونان، چین، رم و ... علی‌رغم اینکه تغییرات سیاسی در آنها اتفاق افتاده است ولی هیچ‌یک از تحولاتی که در این تمدن‌های کهن به وقوع پیوسته است، شباهتی با انقلاب‌هایی که در جهان غرب اتفاق افتاده است، ندارد. در این زمینه می‌توان

گفت انقلاب‌هایی که در جوامع سنتی غرب یا در سایر کشورهای اتفاق افتاده است، به عنوان رویدادی ناشناخته به شمار می‌روند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۸۷-۳۸۶).

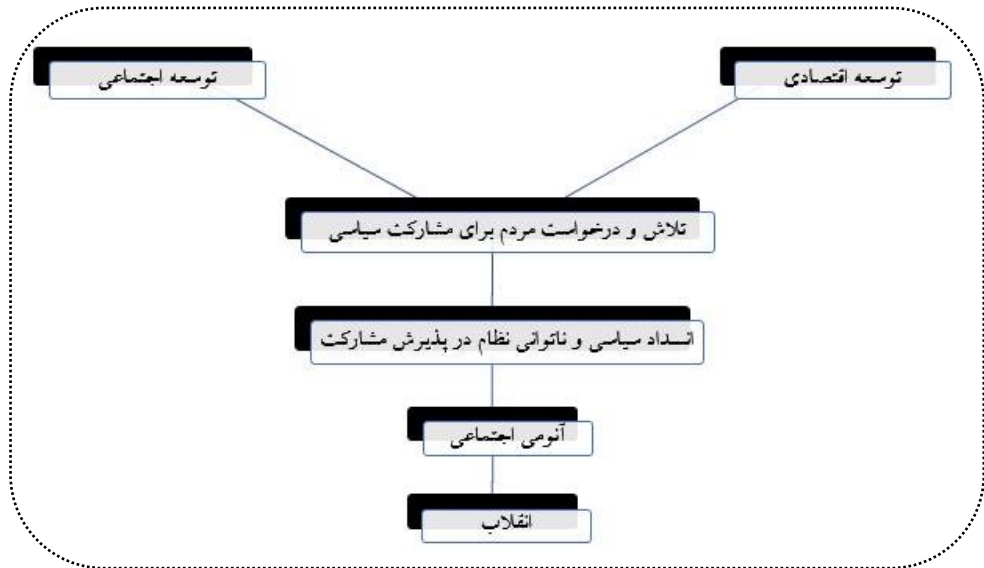
هانتینگتون معتقد است که انقلاب دارای ویژگی نوسازی است و پدیده‌ای به شمار نمی‌رود که در همه‌ی جوامع اتفاق افتد. وی همچنین در این زمینه اعتقاد دارد هیچگاه تحول انقلابی در یک جامعه بسیار سنتی و در سطح پایینی از پیچیدگی اجتماعی و اقتصادی اتفاق نمی‌افتد و از سویی در جوامع بسیار نوین نیز روی نمی‌دهد. انقلاب‌ها بیشتر در کشورهایی شکل می‌گیرد که این جوامع به نوعی دچار تحولات اجتماعی و اقتصادی شده باشند. انقلاب در جوامعی رخ می‌دهد که تحول سیاسی یک قدم عقب‌تر از تحولات اجتماعی و اقتصادی باشد. ریشه‌ی اصلی بروز انقلاب، رشد سریع آگاهی سیاسی و حرکت سریع گروه‌های تازه به عرصه سیاست است؛ چندان که برای نهادهای سیاسی موجود جذب این گروه‌ها به درون نظام امکان ناپذیر گردد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۸۸-۳۸۷).

به نظر هانتینگتون، عدم توجه به درخواست‌های مردم از سوی حاکمان و دور شدن از فرصت‌های مشارکت در نظام سیاسی، باعث می‌شود یک گروه انقلابی گردد، اما یک انقلاب به بیگانگی گروه‌های بسیاری از نظام موجود نیاز دارد. اتحاد انقلابی باید عناصری از گروه‌های شهری و روستایی را در برگیرد. برای وقوع انقلاب در کشوری که دستخوش نوسازی است، بایستی: الف - طبقه متوسط شهری از قبیل بازرگانان، روشنفکران، صاحبان حرفه‌ها به اندازه کافی از وضع موجود بیگانه شده باشند؛ ب- روستاییان نیز به اندازه کافی همین حس بیگانگی را داشته باشند؛ ج- طبقه متوسط شهری و روستاییان نه تنها در نبرد بر علیه دشمن واحد، بلکه در مبارزه برای یک قضیه واحد به اندازه کافی متحد باشند. این مسأله به طور معمول ملیت‌گرایی است. اگر دوره ناکامی طبقات متوسط شهری با دوره ناخرسندی روستاییان همزمان نگردد، انقلاب دور از انتظار است. هانتینگتون بر این باور است که در میان گروه‌های شهری، طبقه متوسط جامعه، به طور واقعی انقلابی است و سرچشمه اصلی مخالفت با حکومت را باید در این طبقه جست؛ یعنی: کارکنان دولت، افسران ارتش، معلمان و وکیلان، مهندسان، کارفرمایان و مدیران. در میان طبقه متوسط نیز بخش‌های غیر اداری و غیر بازرگانی و به ویژه روشنفکران بیش از دیگران انقلابی‌اند و دانشجویان انقلابی‌ترین قشر روشنفکران به شمار می‌آیند. شهر، کانون مخالفت در دورن کشور است، طبقه متوسط، کانون مخالفت در درون شهر هستند و روشنفکران، فعال‌ترین گروه مخالف طبقه متوسط‌اند و دانشجویان، منسجم‌ترین و کارآمدترین انقلابیان در میان روشنفکران‌اند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۴۲۳)؛ اما روشنفکران طبقه متوسط به

تنهایی نمی‌تواند دست به انقلاب بزنند، آنان به همکاری گروه‌های روستایی که هیچ انقلابی را بدون آنها نمی‌توان برپا کرد، نیاز دارند. مخالفت شهر برای نظام سیاسی مشکل آفرین است، ولی کشنده نیست. در حالی که مخالفت روستاها مرگبار است. هانتینگتون معتقد است کشورهای که توسعه یافته‌ترند، پیچیده‌ترین نوع از اقتصاد را در خود دارند. پس می‌توان نتیجه گرفت رشد اقتصادی و سیاسی به یکدیگر وابسته بوده و با هم ارتباط دارند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۶۷).

همان طوری که گفته شد، هانتینگتون به توسعه سیاسی اشاره نموده و این مسئله را در همه حوزه‌های سیاسی جامعه متصل نموده و اعتقاد دارد که لازم است نهادهای حاکمیتی تقویت گردند. ایشان همچنین از سویی به آگاهی سیاسی اشاره می‌کند و معتقد است برای شکل‌گیری اصلاحات در حوزه سیاسی، لازم است آگاهی سیاسی مردم در جامعه افزایش یافته و این مسئله به سمت و سوی گروه‌های اجتماعی جدید سوق پیدا کند. برای ایجاد تغییرات سیاسی نیز نیازمند شکل‌گیری نهادهای سیاسی در جامعه می‌باشد به طوری که این نهادهای می‌بایست رویکرد مستقل و انسجام بخش داشته و بتوانند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند تا بتوانند گروه‌های اجتماعی جدید را به سمت و سوی خود جذب نمایند و وجوه اشتراکات سیاسی که در آنها وجود دارد را ساماندهی کرده و باعث ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی گردند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۶۷).

هانتینگتون به مسئله‌ی مشارکت سیاسی توجه زیادی مبذول داشته و وجود آن را لازمه بروز هر تحول انقلابی می‌داند. ایشان همچنین معتقد است برای اینکه علل انقلاب را بهتر شناخت باید ریشه‌های اجتماعی - روان‌شناختی انقلاب‌ها مورد توجه قرار گیرد. شروع فرآیند اصلاحات سریع اقتصادی در جامعه می‌تواند فشارهای شدیدی بر پیکره سیاسی جامعه وارد آورد و برای اینکه موازنه به وجود آید و این حرکت سریع تعدیل یابد، باید ساختار سیاسی نیز همزمان با تحولات اقتصادی در جامعه دچار تغییر و تحول و دگرگونی گردد. اگر این مسئله محقق نشود در نهایت منتهی به بروز بحران‌های اجتماعی در جامعه خواهد شد که منبع تنش‌های سیاسی خواهد شد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۶۴). به صورت خلاصه علل و عوامل وقوع انقلاب از منظر هانتینگتون را می‌توان در قالب نمودار زیر ترسیم کرد.



شکل ۱- مراحل وقوع انقلاب از منظر ساموئل هانتینگتون

منبع: (محقق ساخته)

پ- یافته‌های تحقیق

۱- رشد شتابان اقتصادی

یکی از موضوعاتی که در بررسی نظریه توسعه نامتوازن به آن پرداخته شده است، توسعه در زمینه اقتصادی است که از نظر ساموئل هانتینگتون باید در جامعه اتفاق افتد تا جامعه را به سمت انقلاب سوق دهد.

۱-۱- رشد شتابان اقتصادی تونس

دولت حبيب بورقبيه در تونس به عنوان معمار اصلی تشکیل دولت جدید به شمار می‌رود و شروع توسعه کشور تونس قبل از روی کار آمدن دولت بن علی و دوران قدرت بورقبيه می‌باشد. اقدامات روشنفکرانه دولت حبيب بورقبيه که به نوگرا معروف گشته بود برگرفته از کشورهای غربی به خصوص گروه‌های چپ در فرانسه بوده است. حبيب بورقبيه که به عنوان دولت نوگرا در رشته

حقوق در کشور فرانسه (پاریس) تحصیل کرده و حزب نوکه به دستور او تاسیس گردید، تقریباً نشأت یافته از بلوک سوم فرانسه بود (White, 2001: 83).

اقدامات و تلاش‌هایی که حبیب بورقیبه در مسیر توسعه انجام داد، باعث شد که وی به عنوان بنیان‌گذار دولت مدرن تونس معروف گردد، اما اصلاحات واقعی در کشور تونس به دوران قدرت بن علی بر می‌گردد. بن علی کسی بود که وی را ناجی می‌نامیدند. مردم وی را رهبری به شمار می‌آوردند که توانایی آن را داشت که کشور تونس را در مسیر توسعه قرار دهد. با توجه به آمارهایی که در زمینه رشد اقتصادی تونس وجود دارد، واضح و مبرهن است که تونس مرحله‌ای از توسعه اقتصادی را با اقداماتی که در دوران حکومت بن علی انجام گرفت، تجربه نموده است. با اتکا بر نظریه توسعه نامتوازن، تقریباً اکثر محققان و پژوهشگران به این موضوع اشاره دارند که توسعه اقتصادی در جامعه تونس در دوران قبل از وقوع انقلاب اتفاق افتاده است. از اولین عواملی که باعث توسعه اقتصادی جامعه تونس گردید، افزایش قیمت نفت در اوایل دهه ۷۰ بود که باعث افزایش درآمد دولت شد و آن را قادر ساخت دستمزدهای بیشتری را به کارمندان دولت و دیگر افراد شاغل در بخش دولتی پرداخت کند. دهه ۱۹۷۰ میلادی سال‌های رشد و توسعه اقتصادی تونس بود. به طوری که بر اساس آمارهایی که در این کشور ارائه می‌گردد، مشخص می‌شود که میانگین رشد سالانه این کشور به ۷/۴ درصد در طی این مدت رسیده است. ارزش افزوده واقعی در بخش صنعتی ۱۱ درصد افزایش یافت، سرمایه‌گذاری از ۲۰ درصد تولیدات ناخالص داخلی در سال ۱۹۷۰ میلادی به ۲۹ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۰ رسید و طی همین دوره زمانی، ذخیره ارزی از ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی به ۲۵ درصد رسید. کسری بودجه بسیار پایین بود و در دهه ۱۹۷۰ میلادی، ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) بود. تراز پرداخت‌ها نیز قابل کنترل و حدود ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی بود (Saleh M.Nsouli, 1995: 2).

تأثیر مستقیم این اقدامات کاهش در نسبت هزینه‌های دولتی و بدهی به GDP از ۴۰/۷ درصد در دوره ۱۹۸۲-۱۹۸۶ به ۳۳/۴ درصد در سال ۱۹۸۷-۱۹۹۱ رسید: (M.Nsouli, 1995: 6). این مسئله سیاست‌های مدیریت تقاضا و کاهش واقعی نرخ مبادله دینار تونس را با موفقیت همراه ساخت. کمک خارجی زیادی به تونس اعطا شد و در نتیجه نسبت بازپرداخت بدهی به صادرات، از ۱۰ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۱۲ درصد در سال ۱۹۸۰ رسید (Saleh M.Nsouli, 1995: 21).

قدرت گرفتن بن علی در سال ۱۹۸۷ میلادی را می‌توان شروع فصل جدیدی در رشد اقتصادی

تونس دانست. دولت جدید با اعمال یک سیاست محکم مالی از طریق برنامه جامع تعدیل اقتصادی، تلاش گسترده‌ای در جهت اصلاح ساختارهای اقتصادی کشور آغاز کرد. سیاست تعدیل اقتصادی که بن علی در جهت روند توسعه اقتصادی جامعه انجام داد، نقش مهمی در اقتصاد این کشور ایفا نمود. این سیاست‌های دولت در طول سه برنامه اقتصادی توسعه اجرا گردید. اولین برنامه توسعه اقتصادی دولت جدید (۱۹۹۰-۱۹۸۷ م.) با هدف ثبات سازی خرد اقتصادی آغاز گردید. به دنبال اجرای این برنامه، کسری بودجه به سرعت برطرف شد، مالیات‌ها افزایش یافت، یارانه‌ها حذف شدند، افزایش قیمت‌ها تحت کنترل و تورم مهار گردید. اصلاحات ساختاری ابتدائی شامل آزادی سازی ارز خارجی، کنترل سرمایه‌ها، تجارت و خدمات مالی می‌شدند (Ayubi, 1993: and Owen, 1992: 139-165). به کارگیری قوانین و ترتیبات جدید اقتصادی موجب تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی شد. به دنبال آن برنامه‌های هشتم و نهم به ترتیب بین سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۲ و ۲۰۰۱-۱۹۹۷ سرعت اصلاحات ساختاری را تسریع کرد (Owen, 1992: 30).

با اقداماتی که در دوران بن علی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی انجام گرفت، اقتصاد تونس رشد سریعی داشت، به طوری که شاخص‌های توسعه در تونس تبیین کننده این موضوع است. در این زمان تولید ناخالص داخلی (GDP) با شاخص برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۰ برابر ۱۰۰ میلیارد دلار و با در نظر گرفتن شاخص‌های اسمی برابر ۴۴ میلیارد دلار بوده است. این شاخص‌ها نشان دهنده رتبه‌ی کشور تونس در میان سایر کشورهای جهان به عنوان به عنوان یکصد و چهاردهمین کشور می‌باشد (حسین‌خانی، ۱۳۹۰: ۹). نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی (GDP) تونس در سال ۲۰۰۸، ۴/۶ درصد و در سال ۲۰۰۹ به دلیل اثر پذیری از بحران اقتصاد جهانی ۳ درصد بود که در سال ۲۰۱۰ مجدداً افزایش یافت و به ۳/۴ درصد رسید. به طور کلی در یک بازه زمانی وسیع‌تر طی ۲۴ سال زمامداری بن علی، تولید ناخالص داخلی تونس به حدود چهار برابر دوران قبل از وی رسید (حسین‌خانی، ۱۳۹۰: ۹).

با تداوم این وضعیت نرخ تورم به زیر ۳ درصد رسید و کسری بودجه به ۲/۵ درصد تولید ناخالص داخلی تقلیل یافت. قروض خارجی نیز به میزان ۱۰/۵ میلیارد دلار کاهش یافت، یعنی از ۲۸ درصد به ۱۸ درصد رسید و همه این مسائل باعث اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی گردید. با اقداماتی که صورت گرفت، تونس کشور صنعتی گردید و حدود ۱۰ درصد از صادرات کشور صدور منابع انرژی بود (Murphy, 1999: 36). اقدامات بن علی در زمینه‌های مختلف رشد سریع اقتصادی را به

دنبال داشت.

با این حال در زمینه کشاورزی که نسبت به سایر بخش‌ها ضعیف‌تر بود، نسبت به دوران گذشته رشد محسوسی به وجود آمد. در بخش کشاورزی ۱ درصد تولید ناخالص داخلی و ۲۲ درصد صادرات وجود داشت. دولت برای پیشرفت کشاورزی یک برنامه بلندمدت جهت بهبود وضعیت آبی انجام داد. محصولات کشاورزی شامل زیتون، غلات، خرما، میوه‌جات، چغندر و محصولات روزانه بود که اکثریت آنها با رقابت شدیدی در بازار مدیترانه و نسبت به تولیدکنندگان این منطقه رو به رو گردید. همچنین یکی از عوامل رشد سریع اقتصادی تونس در دوران بن علی، توجه ویژه به صنعت توریسم بود. در این زمینه در صنعت توریسم سرمایه‌گذاری‌های وسیع عمومی و خصوصی در اقتصاد زیربنایی کشور صورت گرفت (Lisa, 2011: 2). این بخش ۶ تا ۷ درصد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داد و دولت با اجرای طرح‌هایی سعی در بهبود بازاریابی خارجی و افزایش کیفیت خدمات در این بخش داشت. البته این بخش در اثر نوساناتی که مربوط به بی‌ثباتی‌های سیاسی منطقه - ای و نوسانات به وجود آمده در ارز اروپایی می‌شد، آسیب پذیر بود (Lisa, 2011: 37).

از عوامل دیگر رشد اقتصادی جامعه تونس، تلاش برای ادغام در اقتصاد جهانی بود که از سوی دولتمردان تونسی انجام می‌گرفت. این امر زیر پوشش برنامه تعدیل اقتصادی در چند مرحله انجام می‌شد. بن علی جهت رسیدن به توسعه، برنامه‌های تعدیل اقتصادی را در سه برنامه توسعه شمال اجرا نمود: برنامه توسعه هفتم (۱۹۹۱-۱۹۸۷)، برنامه توسعه هشتم (۱۹۹۲-۱۹۹۶) و برنامه توسعه نهم (۱۹۹۷-۲۰۰۱) دنبال شد (حکیمیان، مشاور، ۱۳۸۳). مهم‌ترین قسمت این برنامه ادغام در اقتصاد جهانی بود. قبل از روی کار آمدن بن علی، اقدامات زیادی برای ادغام در اقتصاد جهانی از سوی دولتمردان انجام گرفته بود. منطقه آزاد تجاری در مدیترانه تا سال ۲۰۰۸ تحت پوشش بخش اروپا مدیترانه‌ای جامعه اروپا (EU) با این جامعه، موافقت‌نامه تجاری به امضا رسید. این کشور برای نخستین بار در سال ۱۹۶۳ میلادی مذاکراتی را در جهت نهادینه کردن روابط خود با جامعه اروپا آغاز کرد، ولی تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفت بنا به دلایلی همچون وارد کردن فشار از سوی گروه‌های بانفوذ اروپا از جمله گروه‌های پر نفوذ بخش کشاورزی، منسوجات و صنایع این کشور بر می‌گشت. به همین دلیل آغاز این طرح برای تونس چندان موفقیت‌آمیز نبود.

عامل اصلی در عدم موفقیت، عدم تناسب نفوذ اقتصادی تونس با کشورهای اروپایی بود که در جهت منافع اروپا قرار داشت و اقتصاد تونس با سیاست ادغام جهانی در اقتصاد اروپا نتوانست نقش

پویا و فعالی ایفا نماید. این امر باعث شد که موتور اقتصاد امریکا، اقتصاد تونس را در خود هضم کند. برای نمونه می‌توان گفت عمده واردات تونس از اروپا بود و ۷۲ درصد از صادرات تونس نیز به کشورهای اروپا صادر می‌گردید، ولی با مقایسه واردات تونس از اروپا تنها ۰/۴ درصد کل صادرات اروپا را در بر می‌گرفت و صادرات تونس به اروپا نیز تنها ۰/۷ کل واردات اروپا به حساب می‌آمد (IMF, 1991). علاوه بر آن، آزاد سازی اقتصاد با هماهنگی بانک جهانی صندوق بین‌المللی پول در طول اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی و اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی به اجرا درآمد (Jear-pierre 1999: 59-74).

این کشور آمادگی لازم را برای امضای توافقنامه آزاد تجاری با جامعه اروپا پیدا کرد. در سال ۱۹۹۵ میلادی «اعلامیه بارسلون» به وسیله ۲۷ کشور منطقه اروپا - مدیترانه به امضا رسید (Emhnan, 2010: 37). این امر بیانگر تلاش دیگری به منظور ایجاد یک رژیم آزاد تجاری بین اروپا و کشورهای منطقه مغرب و کشورهای حوزه جنوبی مدیترانه و کشورهایمانند اردن بودند که مرزهای آبی در دریا نداشتند. مفاد اعلامیه جدید به شرح ذیل بود: ۱- اجرای کامل قوانین تجارت آزاد در مورد کالاهای صنعتی در یک دوره زمانی ۱۲ ساله، بدون محدودیت‌های اختیاری بر منسوجات یا هر کالای دیگری ۲- آزاد سازی تدریجی تجارت محصولات کشاورزی و به کارگیری جریان تجارت سستی به عنوان نقطه آغاز ۳- آزاد سازی تدریجی تجارت در زمینه خدمات ۴: حمایت از مالکین فردی ۵: گسترش همکاری‌های تجاری و مالی (markHabeeb, 2000: 22).

پس از انعقاد این توافقنامه، کشورهای اروپایی می‌توانستند بدون گمرک کالاهایشان را به کشورهای طرف قرارداد وارد نمایند. علاوه بر آن مذاکراتی برای اخذ وام کشاورزی با بانک جهانی انجام گرفت. در سال ۱۹۸۷ وام سیاست تعدیل ساختاری در بخش صنعتی و تجاری بیشتر شد و وام‌های تعدیل ساختاری در سال ۱۹۸۸ و ۱۹۹۱ و نیز وام تعدیل کشاورزی و وام اصلاح بخش تجاری در سال ۱۹۸۹ به تونس پرداخت گردید. پس از اینکه تونس در سال ۱۹۵۶ میلادی استقلال یافت، مانند دیگر کشورهای در حال توسعه، در جهت ایجاد بخش دولتی و چارچوب برنامه‌ریزی و برنامه‌های سرمایه‌گذاری دولتی قدم برداشت (Un Word Economic: 160). در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی دولت سیاست خود را تغییر داد و در جهت تقویت بخش خصوصی تلاش‌های قابل توجهی نمود. با اتخاذ تدابیر محدود کردن واردات از فعالیت‌های بخش خصوصی حمایت نمود که این امر می‌توانست نقش مهمی در شکوفایی اقتصاد تونس ایفا نماید. بخش خصوصی تحت نظارت شدید

دولت قرار داشت و بین سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۷۱ میلادی ۲۲ درصد از مالیات ثابت خود را به خود اختصاص داد. این سرمایه‌گذاری‌ها از طریق نرخ مبادله ارز که واردات کالاهای سرمایه‌ای را ارزان‌تر از سابق می‌ساخت و نیز از طریق اعمال تعرفه بر کالاهای واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای مورد تشویق قرار گرفت. این عوامل و همچنین یک سیستم بانکی توسعه یافته که تا اوایل ۱۹۸۰ میلادی نرخ بهره در آن تحت کنترل بود، در روند تسریع رشد اقتصادی تونس نقش به‌سزایی داشت (Un Word (Economic: 160).

اقداماتی که بن علی در زمینه توسعه اقتصادی کشور انجام داد، سیاست‌های مدیریت تقاضا و کاهش واقعی نرخ مبادله دینار تونس را با موفقیت همراه ساخت. کمک خارجی زیادی به تونس اعطا شد و در نتیجه نسبت بازپرداخت بدهی به صادرات از ۱۰ درصد در سال ۱۹۷۰ به نسبت ۱۲ درصد در سال ۱۹۸۰ رسید (Saleh M.Nsouli, 1995: 2). با اینکه بسیاری از آمارهای دولتی در تونس رونق و پیشرفت اقتصادی را نشان می‌دهند ولی در این میان از عواملی که خشم جامعه تونس را برانگیخت، درصد بالای بیکاری جوانان تونس بود (Ayadi, 2011). طبق گزارش برنامه توسعه انسانی ملل متحد در سال ۲۰۰۹، روند رشد بیکاری به شرح زیر بوده است.

جدول شماره ۱- نرخ بیکاری در کشور تونس

سال	مقادیر نرخ بیکاری
دهه ۱۹۸۰ م.	۱۳/۶ درصد
دهه ۱۹۹۰ م.	۱۵/۵ درصد
۲۰۰۵-۲۰۰۶ م.	۲۷ درصد

(UNDP, 2009: 109)

به طوری که در دهه منجر به انقلاب، شکاف طبقاتی فاحشی مابین طبقات شهری و روستایی وجود داشت (گروه مترجمان صراط، ۱۳۸۹: ۱۱). این کشور از لحاظ وضعیت آزادی اقتصادی در سال ۲۰۱۲ رتبه ۱۰۰ جهان را دارا بود (هریتیج، ۲۰۱۲). در این برهه یکی از مهم‌ترین عامل‌هایی که به مشکلات درونی جامعه تونس دامن زد، بحران اقتصادی جهان بود. این عامل تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد این کشور گذاشت. ساختار اقتصادی تونس به شکل قابل زیادی به صادرات به اتحادیه اروپا و درآمد حاصل از گردشگری وابسته بود. در نتیجه اینکه تونس از بحران اقتصادی جهانی، بیشتر از

هرکشور دیگر مدیترانه‌ای، متحمل ضرر شد (Paciello, 2010).

در کل هرچند که دولت تونس از نظر بسیاری از شاخص‌ها پس از استقلال و به ویژه سال‌های اخیر پیشرفت‌هایی داشته است، اما اینگونه پیشرفت‌ها نتوانست دارای کارکرد مناسبی باشد و شکاف اقتصادی عظیم را در جامعه به وجود آورد (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۳۱).

جدول شماره ۲- شاخص فساد اقتصادی و رتبه جهانی کشور تونس

رتبه جهانی شفافیت	شاخص فساد	کشور
۵۱	۳/۹ - ۵/۶	تونس

(Source: www.cia.gov)

بر اساس نظریه توسعه نامتوازن، توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وابسته به یکدیگر و باید در کنار هم قرار بگیرند. در دوره قدرت بن علی، اصلاحات اقتصادی در تونس به صورت یک حرکت سریع در جامعه بوجود آمد و این موضوع منجر به تحمیل فشارهای زیادی در ساختار نظام سیاسی گردید. برای اینکه موازنه‌ای بوجود آید و حرکت سریع و تند سرعت آن کاهش یابد، باید ساختارهای سیاسی که بر جامعه حاکم است دچار تغییرات گسترده گردد. اگر این اتفاق عملی نگردد بحران‌هایی در بعد اجتماعی در جامعه شکل می‌گیرد که باعث بروز چالش‌های سیاسی می‌شود. همین مسئله در جامعه تونس باعث شکل‌گیری پدیده انقلاب در کشور گردید. در طول ۲۳ سال حکومت بن علی، سیاست سرکوب دولتی همراه با توسعه اقتصادی اجتماعی نسبی، باعث شده بود وضعیت جامعه تحت کنترل باشد که این امر از طغیان و اعلام نارضایتی‌ها جلوگیری کرد و ثبات نسبی را برای رژیم بن علی به ارمغان آورد (زکریا، ۱۳۸۳: ۸۲). بنا بر نظر برخی از محققین، انقلاب تونس در شرایطی به وقوع پیوست که آزادی‌های سیاسی و مدنی در این کشور وجود نداشت (Dalacoura, 2012: 64).

۲- توسعه اجتماعی و فرهنگی

یکی دیگر از مراحل که هانتینگتون در طرح تئوری توسعه نامتوازن به آن اشاره می‌کند، مرحله توسعه جامعه در زمینه اجتماعی و فرهنگی است. وی در این زمینه بر این باور است که در کشورهای جهان سوم بر اثر نوسازی، نیروهای جدید اجتماعی ظهور می‌کنند. ظهور نیروهای اجتماعی به افزایش

اشتراک سیاسی نیز منجر می‌شود، زیرا دگرگونی و تحول در خواست‌ها و آرزوهای افراد اتفاق افتاده است و افراد جایگاه و موقعیت جدید در جامعه پیدا نموده‌اند. از نظر هانتینگتون تحرک اجتماعی سبب تحرک سیاسی می‌گردد؛ یعنی فرد با توجه به موقعیت اجتماعی خود، خواهان کسب موقعیت سیاسی است. این مسئله اشتراک سیاسی را افزایش می‌دهد.

۲-۱- توسعه اجتماعی تونس

در طی سال‌هایی که تونس تحت‌الحمایه فرانسه بود (۱۹۵۶ - ۱۸۸۱)، مهم‌ترین سیاستی که دولت فرانسه در قبال جامعه تونس اتخاذ نمود، سیاست فرانسوی کردن سر تا پای فرهنگ تونس بود (دایره المعارف بزرگ اسلامی: تونس). به طوری که فرهنگ تونس بشدت تحت تاثیر فرهنگ اروپا واقع شده است. تا جایی که برخی این کشور را سردمدار غریزه‌ترین کشورهای عرب زبان به شمار آورده‌اند (دکمجیان، ۳۶۴: ۱۳۷۷). برخلاف بسیاری از کشورهای خاورمیانه، تونس به لحاظ جامعه مدنی از پویایی نسبت بالایی برخوردار است. این پویایی را متاثر از نزدیکی جغرافیایی این کشور به قاره اروپا باید دید (مورفی، ۱۳۸۳: ۲۲۸). از جمله نهادهای مدنی که متأثر از این اقدامات در تونس شکل گرفت؛ می‌توان به سازمان‌هایی همچون سازمان تحقیقات و تحولات زنان تونس، سازمان دموکراتیک زنان تونس، اتحادیه عمومی کار تونس، اتحادیه بازرگانی تونس، جامعه حقوق بشر تونس، مجمع الجهات، شورای ملی آزادی و حزب النهضه اشاره کرد (Bajžíková, 2012: 16).

با بررسی وضعیت اجتماعی تونس در زمان بن علی، مشخص می‌گردد تونس در این زمینه شاهد تحولات عظیمی بوده است؛ به طوری که بافت جامعه دچار تغییر و تحولات اساسی گردید. پس از آنکه بن علی در سال ۱۹۸۷ از طریق کودتا قدرت را از بورقیه فرتوت بدست گرفت، خود را در ظاهر شخصیتی اصلاح طلب نمایان کرد. از اقدامات او در این برهه تاریخی می‌توان به اضمحلال دادگاه نظامی کشور اشاره کرد (Ahmed, 2011: 22-23). همچنین برای بالا بردن سطح محبوبیت و مشروعیت خود در جامعه به اقداماتی مانند ۱: وارد کردن مظاهر مدرنیته به تونس ۲: رونق و گسترش صنعت توریسم دست زد (Lisa, 2011: 2).

اقداماتی که بن علی در دوران حکومت خویش در جهت توسعه اجتماعی انجام داد، باعث گردید تونس در این زمینه رشد شایان توجهی داشته باشد. یکی از کارهایی که از سوی بن علی در این زمینه صورت گرفت، انجام برنامه ملی برای کمک به خانواده‌های نیازمند در سال ۱۹۸۶ بود. علی‌رغم اینکه

دو طرح با اصلاحات اقتصادی که در تونس انجام گرفت، سطح پرداخت عمومی در حوزه ی سیاست‌های اجتماعی بالا و در حدود ۱۹ درصد در سال‌های ۱۹۸۷-۲۰۰۵ میلادی بود. در این زمان مسئله آموزش و بهداشت در سال‌های ۱۹۸۶-۲۰۰۲ دو برابر شد و پرداخت‌ها برای تامین اجتماعی به میزان ۲۱/۴ درصد افزایش یافت. از سویی نیز کاهش پرداخت اجتماعی بر یارانه غذا (۲۰۰۲-۱۹۸۶) با بالا بردن دستمزدها جبران گردید (Romdhne, 2007).

علاوه بر اینکه برنامه ملی برای کمک به خانواد‌های نیازمند که در سال ۱۹۸۶ ایجاد شد، بن علی همچنین دو طرح اجتماعی را بنا نهاد: ۱- صندوق همبستگی ملی در سال ۱۹۹۲ و ۲- صندوق اشتغال ملی در سال ۲۰۰۰. این دو طرح به این منظور اجرا شد که زیربنای اقتصادی در مناطق محروم را بهبود ببخشد و فرصت اشتغال را افزایش دهد. این اقدام‌های دولت به طور کلی سبب کاهش فقر و افزایش درآمدها شد و دسترسی مردم به بهداشت و آموزش به گونه‌ای چشمگیر افزایش یافت (Harigan&el-said, 2009) در کل وضعیت امنیت اجتماعی تونس بهتر از دیگر کشورهای عربی بود (Ramdhne, 2009).

دست‌آورد سیاست‌های سخاوتمندانه اجتماعی، بهبود حاصل شده در زمینه اقتصادی که شرح داده شد، گسترش قابل توجه طبقه متوسط بود به طوری که گفته شده است در چند دهه اخیر طبقه متوسط رشد ده برابری داشته است (زکریا، ۱۳۸۳: ۹۱). با رشد طبقه متوسط، بافت اجتماعی جامعه دچار دگرگونی شد. این امر خواسته‌های جدیدی را در پی داشت که باعث ایجاد چالش‌هایی در جامعه گردید. مهم‌ترین پیامدی که رشد طبقه متوسط به دنبال داشت، رشد قابل توجه شاخص‌های آموزش در تونس بود که در افزایش آگاهی جامعه تونس می‌توانست نقش موثری داشته باشد. هزینه‌های هنگفتی به بخش آموزش از سوی بن علی در این زمینه اختصاص یافت. حکومت با پدیده بی‌سوادی با جدیت تمام به مبارزه پرداخت و منجر به رشد فزاینده سواد در کشور گردید. برای نمونه می‌توان گفت که در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۵ میزان باسوادی در تونس به ۶۲ درصد رسید.

تونس از موفق‌ترین کشورهایایی بود که توانست شکاف باسوادی زنان و مردان را کاملاً از بین ببرد (باغجری، ۱۳۹۰: ۴۶۶-۴۶۷).

این کشور دارای جمعیت ۱۰ میلیون نفری از لحاظ شاخص‌های انسانی در منطقه شمال آفریقا رتبه بالایی دارد؛ به لحاظ سطح سواد، بر اساس آمار یونسف در کشور تونس ۹۸٪ از مردان و ۹۶٪ از زنان بین سنین ۲۴-۱۴ به تحصیل مشغول می‌باشند؛ و رشد مثبت‌نام در مدارس ابتدایی به ۹۸/۲٪

می‌رسد. این آمار حاکی از نظام آموزشی قوی این کشور دارد (www.unicef.org).

ثبت نام در مدارس ابتدائی تقریباً نزدیک ۱۰۰ درصد گردید و این حاکی از نظام آموزشی پیشرفته در این کشور است؛ به طوری که تونس بهترین کارآمدی اقتصادی در جهان عرب را داشته است. علاوه بر این‌ها در سال ۲۰۰۰ کشور تونس به خاطر قوی‌ترین سیاست‌گذاری و چارچوب نهادی برای توسعه پایدار، از طرف بانک جهانی تحسین شد. در طول سال‌های گذشته دولت تونس برخی اقدامات اصلاح‌گرایانه اقتصادی از جمله خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی، تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی، قطع یارانه‌ها و هزینه‌های دولتی که مشوق‌هایی برای بخش خصوصی است، انجام داده بود (Gaus, 2011).

گلدستون در پژوهشی که در خصوص انقلاب‌های ۲۰۱۱ انجام داده است، می‌گوید ثبت‌نام در دانشگاه‌ها در تونس در طی سالیان اخیر تقریباً سه برابر شد بود (Goldstone: 2011). افزایش سطح سواد نشان می‌دهد که اقدامات بن علی نقش موثری در روند شکل‌گیری توسعه اجتماعی در تونس داشته است. یکی دیگر از شاخصه‌هایی که از طریق آن می‌توان وضعیت اجتماعی جامعه را تشریح نمود، رشد نرخ جمعیت جوان است که می‌تواند در جامعه وجود داشته باشد. جوامعی در زمینه اجتماعی پیشرفته‌تر و موفق‌ترند که نرخ رشد جمعیت جوان افزایش یابد. در جامعه تونس تقریباً چنین وضعیتی شکل گرفته بود و جمعیت بالای جوان در این کشور وجود داشت (Adyai, 2011). همچنین این کشور با جمعیت ۱۰ میلیونی تقریباً دارای ۱۱,۲۹۰,۰۰۰ خط ارتباطی تلفن همراه است؛ لذا آمار نشان از رشد بالای این کشور در عرصه توسعه ارتباطات دارد. از منظر شاخص‌های اقتصادی اجتماعی، باید اذعان کرد که پیشرفت‌های فراوانی وجود داشته است (ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۱: ۸۸). از شاخص‌های دیگر در بعد اجتماعی که رشد چشمگیری داشت، افزایش سطح بهداشت عمومی بود. در این کشور ۹۵ درصد جمعیت به آب آشامیدنی و برق دسترسی داشتند (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۳۰).

به طور کلی عواملی چون بهبود وضعیت اجتماعی، افزایش سطح سواد و افزایش افراد تحصیل کرده در جامعه تونس با توجه ویژه دولت در این زمینه و رشد نرخ جمعیتی جوان و رشد طبقه متوسط با نیازها و خواسته‌های متفاوت، در نهایت باعث گردید سطح آگاهی‌ها در جامعه افزایش یابد و خواسته‌ها و مطالبات مردم بیشتر به سمت و سوی آزادی‌های بیشتر سوق پیدا کند. همان چیزی که در نهایت در سقوط حکومت بن علی تاثیر به‌سزایی داشت.

جدول شماره ۳- وضعیت شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مدرنیزاسیون در تونس
(۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰)

۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	
۴۱۷۶	۴۱۶۳	۴۳۴۳	۳۸۰۴	۳۳۹۴	۳۲۱۹	سرانه تولید ناخالص داخلی (دلار)
۹۱۷	۸۸۱	۹۱۳	۸۸۴	۸۶۴	۸۲۹	مصرف انرژی (کیلوگرم)
۶۶	۶۶	۶۶	۶۶	۶۵	۶۵	جمعیت شهری (درصد)
۳۶/۸	۳۴/۱	۲۷/۵	۱۷/۱	۱۳	۹/۷	کاربران اینترنت (از هر ۱۰۰ نفر)
۱۰۴/۵	۹۳/۲	۸۲/۸	۷۶/۳	۷۲/۲	۵۶/۵	مشترکین تلفن همراه (از هر ۱۰۰ نفر)
۰/۶۹	۰/۶۸	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۶۶	۰/۶۵	شاخص توسعه انسانی
۷۹	-	۷۷/۶	۷۷/۲	-	-	نرخ سواد (درصد)
۹۷	-	-	-	-	-	نرخ سواد جوانان
۶/۴	-	-	-	-	-	درصد جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی
۷/۳	-	-	-	-	۶/۶	متوسط سال‌های تحصیل (بالای ۱۵ سال)

منبع: بانک جهانی (۲۰۱۴)؛ اتحادیه بین‌المللی مخابرات (۲۰۱۴)؛ فانو (۲۰۱۴)

۳- توسعه نیافتگی سیاسی (انسداد سیاسی)

یکی از موضوعاتی که هانتینگتون در طرح توسعه نامتوازن به آن اشاره می‌کند، عدم وجود دموکراسی و ایجاد یک انسداد سیاسی از سوی حاکمیت است که می‌تواند باعث افزایش ناراضیاتی‌ها در جامعه گردد. وی گسترش دموکراسی را وابسته به رشد اقتصادی (شکل‌گیری طبقه متوسط و بازار آزاد)، وجود ساختار اجتماعی متکثر و فرهنگ تساهل و مدارا را برای پذیرش دموکراسی و رشد آن ضروری می‌داند. علاوه بر این‌ها بر کمک و حمایت‌های کشورهای دموکراتیک تاکید می‌کند.

هانتینگتون معتقد است که کشورهای جهان سوم فاقد نهادمندی‌اند. در چنین جوامعی نیروهای اجتماعی قوی هستند ولی نهادهای سیاسی عملکرد ضعیفی دارند. در چنین جوامعی قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریه بسیار ضعیف و شکننده و ناپایدار و بدون سازماندهی است. رشد دولت از تکامل جامعه واپس مانده است. عدم تکامل نهادهای سیاسی در کشورهای جهان سوم باعث می‌گردد که اشتراک سیاسی شهروندان جذب و جهت‌دهی نگردد. این مسئله باعث هرج و مرج و آشوب اجتماعی و سیاسی می‌گردد. فقدان نهادهای سیاسی قدرتمند همچنین باعث می‌گردد که «قواعد مشترک بازی»

برای بازیگران تعریف و اجرا نگردد. وقتی سازمان و نهاد قدرتمند در جامعه‌ای قواعد برای کنترل و مهار جامعه و گروه‌های اجتماعی تعریف نکند، گروه‌ها هر کدام خود قواعدی برای خود تعریف می‌نمایند؛ یعنی در کشورهای جهان سوم هر گروه قواعد خاص خود را دارد. عرصه سیاسی رویایی گروه‌های مختلف با قواعد مختلف می‌باشد. به همین خاطر رویارویی میان گروه‌های سیاسی عریان است؛ یعنی رقابت افراد، خانواده، گروه‌های مذهبی و نژادی با همدیگر خشونت آمیز می‌باشد. از نظر هانتینگتون وقتی گروه‌های اجتماعی پایبند به اصول مشترک نباشد، میزان خشونت در عرصه اجتماعی و سیاسی بالا می‌رود. وجود خشونت بدون شک باعث «بی ثباتی سیاسی» می‌گردد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۶۴).

هانتینگتون بر این باور است مشارکت سیاسی قبل از شکل‌گیری یک دولت نهادمند، باعث آشوب و هرج و مرج می‌شود. به همین خاطر مشارکت سیاسی باید در آخرین مرحله قرار بگیرد. مشارکت سیاسی علاوه بر این که یکی از ارکان مهم دموکراسی است، باعث تحکیم دموکراسی و تقویت نهادهای دموکراتیک نیز می‌شود؛ بنابراین مشارکت سیاسی آخرین مرحله و اساسی‌ترین مسئله برای رشد دموکراسی و توسعه سیاسی است (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۸۴).

۳-۱- توسعه نیافتگی سیاسی در تونس

رژیم‌های منطقه به دلیل دارا بودن اختیارات کافی و وافی، قادر به سرکوب داخلی بودند و به گروه‌های مخالف اجازه نمی‌دادند که در یک فضای باز سیاسی رقابت کنند. در واقع، توزیع دموکراتیک قدرت در نظام‌های منطقه وجود نداشت (قربانی، ۱۳۸۶: ۴).

علی اکبر جعفری مخرج مشترک عدم مشروعیت سیاسی رژیم‌های منطقه را موارد زیر می‌داند.

- ۱- فقدان نشانگان توسعه که در سه اصل؛ انفکاک ساختاری، برابری و ظرفیت خلاصه می‌شد
- ۲- فروپاشی نهادهای حکومتی که در اثر تعارض یا ناتوانی پایه‌های اقتدارطلبی یا ناکافی بودن پایه‌های آن در جامعه رخ داد
- ۳- ساختارهای حکومتی در اثر وجود منازعه قدرت افراطی و نهادینه نشده، متلاشی بودند
- ۴- رهبران ملی و حاکمان، تحت تأثیر توجیهات ایدئولوژیکی یا عملی نسبت به اقتدار خودشان که بر برداشت‌های غیرقابل قبول از تاریخ یا پیش‌بینی‌های ناقص از پیشرفت‌های آینده مبتنی بود، توجه داشتند
- ۵- حاکمان منطلقه نتوانسته‌اند مبنایی مردم‌پسند و مردمی برای اقتدار گسترش یافته‌شان پیدا نمایند (عدم کفایت اقتدار در جامعه).
- ۶- دسترسی نابرابر مردم به ساختار

قدرت سیاسی؛ به عبارت دیگر، بسته و منصب بودن ساختار قدرت سیاسی و فقدان منفذی برای ایجاد فرصت برای دیگر گروه‌ها، زمینه لازم برای انقلاب را تدارک نمود (جعفری، ۱۳۹۹: ۱۰). شرایط سیاسی تونس یکی از این موارد بود. با بررسی وضعیت سیاسی تونس می‌توان گفت آنچه که هانتینگتون در تئوری خود مطرح نموده است با آنچه که در تونس وجود داشته است تا حدودی همخوانی دارد و در تونس اتفاق افتاده است. بن علی جامعه تونس را از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به سمت و سوی توسعه سوق داد و تغییراتی در بافت جامعه ایجاد کرد. به دنبال آن با شکل‌گیری طبقات جدید متوسط و رشد افراد تحصیل کرده، خواسته‌ها و مطالبات سیاسی نیز به دنبال افزایش آگاهی مردم، بیشتر گردید ولی این موضوع با روحیات دیکتاتوری و اقتدارگرایانه‌ی بن علی، تطابق نداشت.

همین عدم تطابق، در شکل‌گیری انقلاب تونس نقش مهمی داشت. از طرفی جامعه هم نیازمند باز شدن فضای سیاسی بود و از طرفی نیز بن علی با این مسئله که فضای سیاسی جامعه را باز نماید، چندان دل خوشی نداشت. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های دوران حکومت بن علی می‌توان به: از بین رفتن آزادی بیان، عدم توجه به آزادی مطبوعات، سرکوب شدید مخالفان، کنترل بیش از حد دولت بر رسانه‌هایی از قبیل اینترنت، تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی مردم و اعمال خشونت بر مردم اشاره نمود. همچنین در دوران حکومت بن علی رسانه‌های دولتی به شدت به دنبال تعریف و تمجیدهای بی‌مورد از ایشان بودند به طوری که تصاویر وی در هر مکانی قابل مشاهده بود (Penner 2011: Angrist).

در دوره حکومت بن علی، اقتدارگرایی بیش از پیش افزایش یافت به گونه‌ای که صاحب نظران، دیکتاتوری وی را بسیار شدیدتر از دولت بورقیبه می‌دانند. تا جایی که اقتدارگرایی در دوران بن علی در دهه ی اول قرن ۲۱ م، نسبت به ۳۰ سال گذشته افزایش چشمگیری یافته بود (Alexander, 2010: 3). در این میان آنچه که باعث تشدید رویکرد اقتدارگرایانه‌ی وی گردید، تشکیلات امنیتی دوران حکومت ایشان در دستگاه وزارت کشور بود. این تشکیلات به طور مستقیم زیر نظر بن علی بوده و از کاخ ریاست جمهوری هدایت می‌شدند (Lisa, 2011: 227). علاوه بر آن ویژگی مهم دیگر حکومت بن علی، قدرت شخصی شده بوده است که البته میراثی از دوران بورقیبه بوده است و یکی از محورهای کلیدی تحولات مدرن تونس می‌باشد. در دوران بن علی به مانند بورقیبه رئیس جمهوری حکومت می‌کرد که هیچ محدودیت نهادی جدی را در پیش روی خود مشاهده نمی‌کرد (Alexander,

(2010: 36).

حکومت بن‌علی بر پایه دیکتاتوری حزبی استوار بود. بلیدس در تحقیقی که در حوزه نظام‌های حزبی جوامع خاورمیانه انجام داده است، حکومت بن‌علی را در چارچوب نظام‌های سیاسی تک‌حزبی که در آن رقابت بسیار محدود وجود دارد، دسته‌بندی می‌نماید (Lisa Blaydes, 2011:226). آنچه که در حکومت بن‌علی قابل توجه می‌نماید این است که قدرت شخصی دولت همانند دوران قدرت بورقیبه از طریق حزبی هدایت می‌شد که بر جامعه حاکم بود؛ یعنی حزب حاکم به طور کامل بر دولت نفوذ و اعمال قدرت می‌نمود. حزبی که با توجه به داشتن چنین نفوذی، قابل تمییز از بدنه‌ی دولت نبود. این حزب از مزایا و امتیازات بسیار بالایی برخوردار بود. البته در خصوص فعالیت حزبی در تونس می‌توان گفت، در تونس احزاب دیگری نیز وجود داشتند که به صورت قانونی فعالیت می‌کردند، اما مهره‌های شطرنج سیاسی کشور تونس به گونه‌ی چیده شده بود که احزاب دیگر چه به تنهایی و چه به صورت ائتلافی نیز توانایی جایگزینی برای حزب حاکم نداشتند و فعالیت آنها در جامعه به صورت حاشیه‌ای بود. مردم تونس نه از طریق خشونت و نه از طریق صندوق رای، قادر به تغییر مهره‌های شطرنج سیاسی کشور خود نبودند و موانع زیادی برای فعالیت و نفوذ احزاب واقعی در این کشور وجود داشت (Alexander, 2011: 36).

ساختار سیاسی اقتدارگرای تونس، زمینه‌های نارضایتی و شکل‌گیری بحران‌های متراکمی چون بحران مشارکت، بحران مشروعیت و بحران هویت را در نظام سیاسی تونس ایجاد کرد که این بحران‌ها مترصد جرقه کوچکی بود. بسیاری معتقدند همین بی‌توجهی بن‌علی به ایجاد اصلاحات سیاسی باعث شد که وی بر خلاف تصورش که فکر می‌کرد تونس از هر لحاظ در وضعیت باثباتی قرار دارد، ناگهان با سیل اعتراضات مردمی بر علیه خود روبرو گردد (غفاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴). در ۲۶ آذر ۱۳۸۹ محمد بوعزیزی جوان تونسی که علی‌رغم تحصیلات دانشگاهی‌اش مجبور شده بود برای امرار معاش اقدام به دستفروشی کند بنا به دلایلی اقدام به خودسوزی نمود و پس از این اعتراضات در سرتاسر تونس نسبت به سیاست‌های بن‌علی، گسترش یافت. با گسترش ابعاد تظاهرات و برخوردهای خشن پلیس و نیروهای امنیتی، شعارها و مطالبات نیز اندک‌اندک تغییر یافت و رنگ و بوی سیاسی نیز پیدا کرد به طوری که بن‌علی در نهایت مجبور شد از قدرت کنار برود و به عربستان سعودی پناهنده شود (کاظمی، ۸ خرداد ۱۳۹۰).

در خصوص سقوط حکومت بن‌علی، اشتباهات دولت نیز به گسترش این حرکت مردمی کمک

کرد. وقتی انقلاب به پایتخت رسید، پلیس به شدت از خشونت استفاده کرد و بن علی علاوه بر پلیس مجبور شد از ارتش نیز استفاده کند. همین استفاده از نیروی ارتش یکی از اشتباهات بن علی بود؛ زیرا که ارتش از مردم در برابر پلیس حمایت کرد (قزوینی حائری، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۳۷).

جدول شماره ۴- نظریه توسعه نامتوازن و شرایط جامعه تونس قبل از انقلاب

نتیجه	تونس	نظریه توسعه نامتوازن
+	۱- رشد تولید اقتصادی تا ۲۹ درصد ۲- رشد ذخیره ارزی از ۱۷ درصد به ۲۵ درصد ۳- رشد صادرات از ۱۰ درصد به ۱۲ درصد ۴- کاهش تورم تا کمتر از ۳ درصد ۵- کاهش قروض خارجی از ۲۸ درصد به ۱۸ درصد ۶- رشد صنعت توریسم	توسعه اقتصادی
+	۱- افزایش دو برابری آموزش و بهداشت ۲- رشد ۱۰ درصدی طبقه متوسط ۳- افزایش میزان باسوادی تا ۶۲ درصد ۴- رشد ۱۰۰ درصدی ثبت نام در مدارس ابتدائی ۵- دسترسی ۹۵ درصدی مردم به آب و برق	توسعه اجتماعی
-	۱- افزایش اقتدار گرایی نسبت به ۳۰ سال گذشته ۲- ایجاد یک نظام تک حزبی (دیکتاتوری حزبی) ۳- بحران مشارکت سیاسی ۴- بحران مشروعیت ۵- بحران هویت ۶- شدیدتر شدن اعمال خشونت در برابر مخالفان	توسعه نیافتگی سیاسی

منبع: (محقق ساخته)

نتیجه گیری

با توجه به مطالعات انجام گرفته، نتایجی که به دست آمد از این قرار است که اولین عامل انقلاب از منظر هانتینگتون یعنی توسعه اقتصادی، بر انقلاب تونس قابل تطبیق و ارزیابی است؛ چرا که با توجه به آمارها و شرایط اقتصادی که مورد بحث قرار گرفت، می توان ادعان داشت تا قبل از وقوع انقلاب، کشور تونس مراحل از رونق و توسعه شتابزا اقتصادی را تجربه نموده است. برای مثال در این برهه تاریخی می توان به رشد تولید اقتصادی، رشد صادرات، رشد صنعت توریسم و ... اشاره کرد.

دومین مرحله انقلاب از نظر هانتینگتون مرحله توسعه اجتماعی - فرهنگی است. پس از آنکه تونس در اوایل نیمه دوم قرن بیستم، استقلال سیاسی خود را از فرانسه به دست آورد، با توجه به نزدیکی جغرافیایی به مرزهای اروپا، تحت تاثیر فرهنگ و الگوهای توسعه اجتماعی اروپا قرار گرفت. از آن زمان تا قبل از انقلاب ۲۰۱۱، چه در دوران بورقیبه اولین حاکم تونس و چه در دوران بن علی، جامعه تونس از لحاظ اجتماعی شاهد رشد و پیشرفت بود. از مواردی مانند رشد دو برابری آموزش و بهداشت، رشد ده درصدی طبقه متوسط، افزایش میزان باسوادی، دسترسی ۹۵ درصدی مردم به آب آشامیدنی و برق و... می‌توان به عنوان عواملی یاد کرد که نشان‌دهندی رشد و توسعه اجتماعی جامعه تونس است؛ بنابراین این مرحله از تئوری توسعه نامتوازن نیز بر جامعه تونس همخوانی دارد. سومین و آخرین مرحله‌ای که هانتینگتون از آن به عنوان آخرین مرحله انقلاب نام می‌برد، انسداد سیاسی یا همان عدم توسعه یافتگی سیاسی است. با وجود توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه تونس در زمان حکومت بورقیبه و بن علی، آمارها و داده‌ها نشان می‌دهد حکام تونس از لحاظ سیاسی در مقابل خواست‌های سیاسی و درخواست احزاب و مردم برای دخیل بودن در امر سیاست، هیچ‌گونه نرمشی از خود نشان ندادند. پیشرفت جامعه تونس از لحاظ اجتماعی و شکل‌گیری طبقات نوظهور اجتماعی و تلاش آنها برای وارد شدن به عرصه سیاست با عدم اجازه و انعطاف دولت همراه گشت. این سرخوردگی سیاسی مردم و احزاب، جامعه تونس را بر آن داشت که برای عملی کردن اهداف سیاسی و مشارکت در امر سیاست رویه انقلاب و دگرگونی را در پیش بگیرند. با همه این تفاسیر و با بررسی علل بروز انقلاب در جامعه تونس، می‌توان این نتیجه را گرفت که تئوری توسعه نامتوازن و مراحل سه‌گانه انقلاب از منظر هانتینگتون در انقلاب تونس، قابلیت تطبیق و ارزیابی را دارد. این نظریه در تبیین و واکاوی علل و عوامل انقلاب در جامعه تونس، می‌تواند محقق را برای رسیدن به نتایج بهتری یاری رساند.

منابع

الف - منابع فارسی

- ابراهیم‌نیا، حسین (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر روی کار آمدن جریان‌های اسلام‌گرای تونس بر موقعیت بنیادگرایی اسلامی سال ۲۰۱۰ تا کنون»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

- باغجی، کمال (۱۳۹۰)، *بیداری اسلامی (دلایل و ریشه‌ها)*، تهران: ابرار معاصر.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۹)، «عوامل سیستمیک و دومینوی بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه»، *دو فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی*، دوره نهم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ۱-۳۱.
- حکیمیان، حسن، مشاور، زیبا (۱۳۸۳)، *دولت و تحول جهانی*، ترجمه عباس حاتمی کیا، تهران: کویر.
- خانی، حسین (۱۳۹۰)، «بررسی علل تحولات تونس و گزینه‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران»، گزارش راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷)، *جنبش‌های اسلامی معاصر شمال آفریقا*، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- ذهیری، علیرضا (۱۳۷۶)، *تاثیر اصلاحات ناهمگون در وقوع انقلاب اسلامی ایران*، مجموعه مقالات اولین سمینار انقلاب اسلامی، ج ۲، قم: دفتر نشر معارف.
- زکریا، فرید (۱۳۸۴)، *آینده آزادی*، ترجمه امیر حسین نوروزی، تهران: طرح نو.
- غفاری، جلال و دیگران (۱۳۹۲)، «نقش رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی در بیداری اسلامی، مطالعه موردی انقلاب تونس»، *علوم سیاسی: مطالعات بیداری اسلامی*، سال دوم، ۳: ۶۱-۷۷.
- قربانی، فهیمه (۱۳۸۶)، «تروریسم و دموکراسی سازی در سیاست خارجه آمریکا در منطقه خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر: عربستان سعودی و کویت»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۲ و ۳، صص ۸۷-۱۲۲.
- قزوینی حائری، یاسر (۱۳۹۰)، *سونامی در جهان عرب؛ گفتارهایی پیرامون تحولات اخیر در جهان عرب*، تهران: امیر کبیر.

- مورفی، اما (۱۳۸۳)، *اصلاحات اقتصادی و دولت در تونس، در اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه*، ویراسته حکیمیان و مشاور، ترجمه عباس حاتمی، تهران: کویر.
- نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۱)، *کالبد شکافی انقلابات معاصر در جهان عرب*، تهران: نشر میزان.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علم.

ب- منابع لاتین

- Alexander, christofer (2010), *Tunisia: Stability and Reform in the Modern Maghreb*. Routledge.
- Anderson, Lisa (May/ June 2011). *Demystifying the Arab spring, Foreign affairs*.
- Ayadi, Rym, Silvia Colombo, Maria Cristina Paciello and Nathalie Tocci, *The Tunisian Revolution; An Opportunity for Democratic Transition*, 2011 January; <http://www.iai.it> (accessed on: 28 Jan. 2011).
- Ayubi, Nazih (1993) *The "Fiscal Crisis" and the "Washington Consensus": Towards an Explanation of Middle East Liberalization*, ed. Louis Blain. Paris: I' Harmattan (1993:21-33)
- Bajžíková, K, (2012), "Civil Society Needs Assessment in Tunisia", *Final Report*, PDCS.
- Christopher ,Alexander, (2011), *Revolution in the Arab World*", the Rise and Fall of Ben Ali, 2011, *Foreign Policy Published by the Slate Group, a Division of the Washington Post*. <http://www.foreignpolicy.com> (accessed on: 24 March 2012).
- Dalacoura, Katerina (2012), "The 2011 Uprising in the Arab Middle East: Political Change and 52- Geopolitical Implications", *The Royal Institute of International Affairs*.

- Gause, F. Gregory (July August 2011). Why middle east studies missed the Arab spring. *Foreign affairs*.
- Goldston. I. A (2011) towards A pour the Generation of Revolutionary the ory, A nnuual, *Review ofpolitical science*. 701.80No.10.
- Harrigan, Jane and Hamed El-Said (2009), *Economic Liberalization, Social Capital and Islamic Welfare Provision*, Palgrave Macmillan.
- *IMF International and Financial statistice year book* (1991), (Washington , D.c.IMF)
- Jean-Pierre Gassarino(1999), “The Eu-Tunisian Association Agreement and Tunisia’s structural reform Program “ *Middle East Jornal* .Vol 53 , No . 1.
- Lisa, A., (2011), "*Demystifying the Arab Spring: Parsing the Differences between*.
- Markhabeeb ,(2000) “*Reaching Europe*” Middle Easet Insight , July-August .
- Murphy, Emma, (1999), *Economic and Political Change in Tunisi, From Bourguiba to Ben Ali*, New York: St. Martin’s Press.
- Ottaway, Marina &Ottaway, David (2011); “*Of Revolutions, Regime Change, and State Collapse in the Arab World*”,
<http://carnegieendowment.org/2011/02/28/of-revolutionsregime>.
- Paciello, Maria Cristina, (2010), "The Impact of the Economic Crisis on Euro Mediterranean Relations", *The International Spectator*, Vol. 45, No. 3, Sept. pp. 51-69
- Romdhane, Ben. M. (2007),”*Social Policy and Development in Tunisia since Independence, a political perspective*”, in: Moghadam V. and M. Karshenas (Eds), *Social Policy in the Middle East: Political Economics and Gender Dynamics*, Palgrave Macmillan.
- SalehM.NsouliEkenSena .Ender Klaus Tnai Van-Can DeccressionJorg and cartigliaFillippo Resilience and Growth Through Sustained Adjustment : *The Moroccan Experience* (Washington .D.C: IMF :1995).

- Tunisia, Egypt and Libya", *Foreign Affairs*, Vol.90, No3.
- UNDP (2009), Arab Human Development Report: Challenges to Human Security in the Arab Countries, New York: *Regional Bureau for Arab States*.
- *Unworld Economic and social survey* (1996), (new Yourk).
- White, Gregory, (2001), *A Comparative Political Economy of Tunisia and Morocco*, State University of New York Press.
- Word book Global Financial Development. Table 4.2.:1988.

پ- منابع الکترونیکی

- دایره المعارف بزرگ اسلامی، «تونس».
<http://www.cgie.org.ir/shavad.aspx?id=123&avaid=6199>
- کاظمی، سید محمد موسوی (۸ خرداد ۱۳۹۰)، «تونس، جایی که سونامی از آنجا آغاز شد».
<http://www.irde.ir/fa/content/12839>
- http://www.bashgah.net/fa/content/print_version/91561 (accessed on: 17 Aug. 2013).
- <http://www.unicef.org>.
- <https://www.fao.org/home/en>.
- <https://www.itu.int/en/Pages/default.aspx>.
- <https://www.worldbank.org/en/home>.
- Penner Angrist, Michele (January, 16,2011) Morning in Tunisia.
<http://www.foreignaffairs.com /articies/67321/michell-penner>.
- www.cia.gov